بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[نوحه برای میت 2](#_Toc427955073)

[مرور بر گذشته 2](#_Toc427955074)

[راه‌های جمع‌بندی بین روایات 2](#_Toc427955075)

[1.جمع عرفی:‌جمع مدلول‌های یقینی دو طرف 2](#_Toc427955076)

[**2.**جمع طایفه اول و دوم به واسطه طایفه سوم 3](#_Toc427955077)

[اشکال اول در وجه دوم 4](#_Toc427955078)

[اشکال دوم 4](#_Toc427955079)

[تفاوت دو جمع 4](#_Toc427955080)

[3.نوع سوم جمع 4](#_Toc427955081)

[اشکال 4](#_Toc427955082)

# ناحه برای میت

# مرور بر گذشته

بحث در نوح علی المیت بود. اخبار و روایات بحث را بررسی کردیم.

مجموعه روایات به شکل زیر تقسیم‌بندی شد:

1. طایفه اول، روایات مجوزه علی الاطلاق است. 6 حدیث در این طایفه وجود دارد. سه روایت، سنداً تام بود. همه روایات نیز دلالتاً تام بودند.

2. طایفه دوم، روایات مانعه است. این طایفه 12 روایت است. تنها یک روایت سنداً تام بود.

3. طایفه سوم، روایات مفصله است. 2 حدیث در اینجا وجود داشت.

# راه‌های جمع‌بندی بین روایات

در اینجا چند جمع‌بندی وجود دارد:

## 1. جمع عرفی: جمع مدلول‌های یقینی دو طرف

اخبار مانعه را به قرینه اخبار مجوزه، حمل بر کراهت بکنیم. این یک طریق جمع متعارف در ابواب مختلف فقهی است. اگر به فعلی نهی تعلق بگیرد. اگر در نقطه مقابل امر بیاید، قرینه‌ای وجود ندارد. هرگاه تعارض بین امر و نهی یا چیزی که لازمه امر و نهی است، قرینه‌ای برای هم ندارند. اما اگر تعارض بین دو تعبیر باشد، یک تعبیر نهی یا شبیه نهی است، طرف مقابل آن، نفی بعث است یعنی اشکالی ندارد. امری وجود ندارد. در این قسم دوم تعارض نفی اظهر از ظهور است.

لابعث یا صراحت دارد یا اظهریت دارد. اما طرف مقابل وقتی می‌خواهیم حرمت بیرون بیاوریم با مقدمات حکمت است. قانون جمع نیز اظهر و ظاهر است. یعنی ظهور قوی‌تر مقدم بر ظهور ضعیف‌تر می‌شود.

لا بعث اگر تنها بیاید یعنی کار نه حرمت دارد و نه کراهت.

نهی اگر تنها بیاید یعنی حرمت دارد.

وقتی این دو با هم جمع بشوند لا بعث می‌گوید که این کار حرمت ندارد. اما نسبت به کراهت نص نیست. این فرمول عرفی است.

به زبان ساده‌تر، باید بگوییم هر طرف دو مدلول دارند. یک طرف جواز و کراهت، و طرف دومی حرمت و کراهت. از دو طرف مدلول‌های یقینی را انتخاب می‌کنیم. مدلول یقینی نهی، حداقل کراهت دارد. مدلول یقینی لابعث، این است که حرام نیست. این دو قابل‌جمع‌اند. یکی می‌گوید حرام نیست و دیگری می‌گوید کراهت دارد. جمع این دو کراهت است.

هر جا نهی بیاید و در مقابل «لیس بهی بعث» باشد، حمل بر کراهت می‌شود.

این یک جمع فنی و دقیق است. این جمع دو مؤید دارد. در چند روایت «کره» وجود داشت. خود این «کرهه» با توجه به «لابعث» مفهوم کراهت را شامل می‌شود. یک مؤید دیگر این است که طرف مقابل حرم عامه است در نتیجه بیش از کراهت نیست.

این جمع یک مبعدی نیز دارد. در بعضی از روایات وعده عذاب داده شده بود. در اینجا دلالت بر حرمت دارد. جواب این مبعد این است که در روایات سند ضعیف آمده است. وقتی تعدد روایات وجود دارد باید قدر متیقن آن را بپذیریم.

وقتی تواتر را موردنظر قرار می‌دهیم، مفهوم مشترک تمام روایات مدنظر ماست. در جزئیات اگر سند ضعیف باشد، نمی‌توانیم اعتبار کنیم. در جمع روایات به حداقل باید بسنده کنیم و آن هم کراهت است.

این جمع قابل‌پذیرش است.

## **2.** جمع طایفه اول و دوم به واسطه طایفه سوم

راه دوم جمع‌بندی این است که طایفه سوم را قرینه برای جمع بین دو طایفه می‌گیریم. این نیز جمع متعارفی است. زمانی که دو دلیل مانع و جایز وجود دارد. دلیل تفصیلی نیز وجود دارد که رفع تعارض می‌کند.

با فرض اینکه دلیل تفصیلی، مفهوم داشته باشد، رفع تعارض می‌کند. در اینجا نیز می‌گوییم یک دسته از ادله می‌گوید اجرت نائحه مشکلی ندارد. و نائحه مشکلی ندارد. یک دسته از ادله نیز می‌گوید نائحه مشکل دارد.

طایفه سومی نیز وجود دارد که اگر راست باشد و باطل در آن نباشد، اشکالی ندارد. این جمله مقید آن‌هایی می‌شد که می‌گوید اشکال دارد. و در جایی که می‌گوید راست باشد و باطل نباشد نیز مقید طایفه اول می‌شود. هر گزاره جهت مقابل خودش را قید می‌زند. یعنی اگر در نائحه باطل نگوییم، مشکلی ندارد و اگر راست بگوییم مشکلی ندارد.

بسیاری از تعارضاتی که در فقه وجود دارد، به همین شکل حل تعارض می‌شود.

### اشکال اول در وجه دوم

ملازمه این جمع این است که روایات مانعه باید بر جایی حمل بشود که کذب و اعمال عارضی در آن است. درحالی‌که ظهور روایت در این است که نائحه به ما هو هو مشکل دارد نه اینکه با چیزی عارضی این را حل بکنیم.

جواب این است که چون احتمال تقیه وجود دارد، مانعی نیست.

### اشکال دوم

اشکالی دیگری که در این جمع‌بندی وجود دارد این است که روایات مفصله، معتبر نیستند و تعدد ندارند.

جواب این اشکال را می‌توانیم این‌گونه بدهیم که این روایات مطابق قواعد عامه است و نیاز به سند ندارد. البته باید در نظر داشت که این جواب، قابل قبول نیست.

## تفاوت دو جمع

نتیجه جمع اول، کراهت نائحه بود. نتیجه جمع دوم، نائحه جایز است.

## 3. نوع سوم جمع

جمع سوم این است که روایات مانعه را حمل بر نوحی کنیم که متضمن غنا و یا استماع اجانب و امثال این‌ها است. [[1]](#footnote-1)

### اشکال

اگر غنا و استماع اجانب (درجایی که حرام است) به باطل برگردد، همان وجه قبلی است که در خود روایات آمده است. اگر بگوییم این‌ها را باطل نمی‌گیرد و چیزی فراتر از باطل است. که در این صورت چون شاهد نداریم این جمع باطل است.

1. **- این نوع جمع در کلام حر عاملی آمده است.** [↑](#footnote-ref-1)